

سلسله مطالب در خصوص تخلفات انتظامی وکلای دادگستری و کار

آموزان وکالت (۱۹)

مقدمه و مطلب نوزدهم؛

۱- انتقال قرارداد وکالت ۲- عدم قبول اوراق ارسالی از کانون ۳- افشاء اسرار

موکل

مقدمه:

پیرو مطالب معنونه در باب بحث و بررسی پیرامون تخلفات انتظامی وکلا و
گاهی بخش همکاران محترم ، در این مبحث درصدد بر آمدن تا وکلا و
کارآموزان گرامی را با بخش دیگری از تخلفات مبتلا به آشنا سازم .
تخلفاتی که قانونگذار مجازات سنگینی برای آنها در نظر گرفته و به همین
منظور شناخت و واکاوی زوایای مختلف آن اثرات بازدارنده ای خواهد
داشت . امید است همکارن محترم نواقص موجود را گوشزد و با پیشنهادات
سازنده حقیر را در این راه یاری نمایند.

(۱) انتقال قرارداد حق الوکاله :

به منظور تنسيق تبیین روابط مالی و نیز درجهت جلوگیری از اختلافات احتمالی فی مابین وکیل با موکل شایسته است وکلا پیرو قرار دادوکالتنامه قرارداد مالی تنظیم کنند. تنظیم قرارداد حق الوکاله از جهت تشخیص الصاق تمبر مالیاتی نیز حائز اهمیت می باشد و همچنین مبنایی است جهت صدور حکم دادگاه از باب خسارات وارده به خواهان دعوی. فلذا تعیین میزان حق الوکاله در قرارداد مالی جزا صرفنظر از شروط و مندرجات آن واجد اهمیت است امانکته قابل تامل اینست که آیا وکیل می تواند پس از تنظیم قرارداد مالی آن را به شخص دیگری واگذار نماید یا خیر؟ فرض کنید آقای الف در مقام وکیل دادگستری قرارداد وکالت با موکل خود تنظیم و طی قرارداد مالی آنرا به عنوان حق الوکاله برای خود منظور می نماید به سیاق روال مرسوم و وفق مقررات و آئین نامه حاکم بخشی از حق الوکاله را نقدا" دریافت و بخشی دیگر را به حصول نتیجه مقید می نماید حال سوال اینجاست که آیا وکیل مجاز به انتقال قرارداد مالی به شخص ثالث می باشد یا خیر؟ به عبارت دیگر آیا وکیل می تواند طلب خود را از شخص ثالث دریافت و وی را جانشین خود در دریافت الباقی وجه مندرج در قرارداد نماید ماده ۷۹ آئین نامه قانون وکالت مصوب ۱۳۱۶/۲/۱۹ (نظامنامه قانون وکالت) در این خصوص بیان می دارد که: انتقال قرارداد حق الوکاله به دیگری مادام که کار انجام و خاتمه نیافته اعم از اینکه انتقال گیرنده وکیل باشد یا نه بدون رضایت موکل ممنوع است و متخلف به مجازات انتظامی از درجه چهار به بالا محکوم خواهد شد .

این ماده مشتمل بر شقوق مختلفی است ۱- انتقال قرارداد حق الوکاله به دیگری مادام که کار انجام و خاتمه نیافته. توجهها" به مفهوم مخالف این ماده پس از انجام و خاتمه کار انتقال قرارداد حق الوکاله مجاز و قانونی بوده و از این حیث تخلفی از ناحیه وکیل حادث نگردیده حال سوالی که مطرح می شود اینست آیا منظور از خاتمه کار قطعیت دادنامه در دادگاه تجدیدنظر و یا دیوانعالی کشور است! یا خیر؟ به نظر می رسد این امر به قصد و اراده طرفین و فحوی قرارداد مالی و کالتنامه تنظیمی فی مابین وکیل و موکل باز می گردد اگر حدود اختیارات وکیل و شروط مندرج در قرارداد مالی صرفاً تا مرحله بدوی بوده به محض صدور رای از دادگاه بدوی و صرفنظر از تایید یا نقض آن از سوی دادگاه تجدیدنظر کار خاتمه یافته تلقی می گردد. در غیر این صورت پس از قطعیت دادنامه کار خاتمه یافته محسوب خواهد شد و وکیل مجاز به انتقال قرارداد مالی به غیر می باشد. ۲- انتقال گیرنده وکیل باشد یا نه به نظر می رسد قانونگذار در تدوین این ماده نیم نگاهی به ماده ۲۰۱ قانون مدنی داشته است چه آنکه به نظر می رسد شخصیت طرف معامله را علت عمده عقد منظور نموده و از اینرو چنانچه شخص دیگری غیر از وکیل طرف قرارداد با موکل شود معتقد به اختلال در صحت قرارداد منعقد شده و صرفنظر از آثار حقوقی منبثه وکیل را مستوجب مجازات می داند از اینروست که در ادامه ماده ۷۹ رضایت موکل را شرط اساسی این انتقال دانسته است. بنابراین شایسته است وکلای مرقوم به هنگام تنظیم قرارداد مالی چنین شرطی را در این قرارداد قید نموده و تصریح نمایند که موکل رضایت خود را به انتقال قرارداد حق الوکاله به هر شخص حقیقی اعم

از وکیل و غیره در هر مرحله از دادرسی اعلام می نماید تا گرفتار عواقب قانونی مندرج در این ماده نگردند.

۲) عدم قبول اوراق ارسالی از سوی کانون :

کلیه وکلا و کارآموزان موظفند به محض وصول اوراق فرستاده شده از کانون که عمدتاً "جنبه خطاری دارد را رویت و قبول نمایند چه آنکه یکی از مهمترین وظایف یک وکیل دادگستری مسئولیت پذیری و تمکین از قوانین و مقررات است از اینروست که اهمال و سهل انگاری وکیل و نیز بی توجهی وی نسبت به اوراق قضایی ارسالی از کانون متضمن تخلف انتظامی است ماده ۷۸ از آئین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری تکلیف این قسم از تخلف را روشن نموده است برابر این ماده متخلف از هر یک از موارد ذیل به مجازات انتظامی درجه ۳ محکوم خواهد شد در بند سوم از این ماده اشاره شده وکیل موظف است کلیه اوراق فرستاده از کانون را اعم از نامه یا اخطار یا رونوشت ادعانامه یا حکم که بوسیله مامور یا پست فرستاده می شود به محض ارائه قبول و رویت کرده رسید بدهد بنابراین در مواقعی که رونوشت شکایتی برای وکیل ارسال می گردد نبایستی به بهانه اینکه شکایت واهی و غیر مستند است نسبت به آن بی توجهی نماید و از ارسال پاسخ و یا حضور در دادسرا امتناع ورزند چه آنکه بر فرض بی اساس بودن شکایت و براءت وکیل از شکایت مطروحه دست دادیار رسیدگی کننده در صدور کیفر خواست به لحاظ عدم توجه به اوراق قضایی ارسالی از کانون باز بوده و می تواند با وکیل متخلف از این حیث برخورد قانونی نماید.

۳) افشاء اسرار موکل:

وکلا در زمره افرادی هستند که بواسطه شغل و حرفه محرم اسرار موکلین خود می باشند علت آنست که وکیل امین موکل محسوب و موکل بایستی با طیب خاطر و آرامش دوچندان و با اعتمادی که نسبت به وکیل خود دارد پیگیری پرونده را به وکیل محول نماید بنابراین یکی از مهمترین خصیصه و ویژگی های وکلا رازداری است و در واقع یکی از مواردی که کانونهای وکلای دادگستری به وکلا توصیه

می نمایند داشتن بایگانی منضبط است تا هر شخصی قادر به دستیابی به اسناد و مدارک موکلین نگردد. رازداری و حفظ اسرار موکل از چنان اهمیتی برخوردار است که قانونگذار برای متخلف تخلف انتظامی درجه ۵ قائل شده د ماده ۸۱ آئین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب آذرماه ۱۳۳۴ آمده متخلف د موارد ذیل به مجازات انتظامی درجه ۵ محکوم خواهد شد بند دوم این ماده اذعان می دارد: در صورتیکه به واسطه وکالت از اسرار موکل مطلع شده و آن را افشاء نماید اعم از اینکه اسرار مزبور مربوط به امر وکالت یا شرافت و حیثیت و اعتبار موکل

باشد. مذاقه در این بند از ماده ۸۱ بیانگر آنست که قانونگذار افشاء هر نوع راز موکل اعم از اینکه مربوط به وکالت باشد یا خیر را مشمول تخلف دانسته و با مرتکب به شدیدترین وجه برخورد می نماید.

سوالی که مطرح می شود اینست که فی المثل چنانچه موکل مظنون به قتل باشد اما دلیلی به ارتکاب بزه از ناحیه وی به دست نیامده باشد اما نزد وکیل اقرار به ارتکاب قتل نماید لیکن از وکیل خود بخواهد توجهاً " به مدارک موجود از وی دفاع کند در صورتیکه وکیل چنین رازداری را در محکمه فاش کند مشمول مقررات این ماده خواهد بود یا خیر؟ در ماده ۸۱ مطلق افشاء اسرار موکل مشمول پیگرد قانونیست اما به نظر می رسد ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی تکلیف این امر را روشن نموده است در این ماده آمده ... کلیه کسانی که به مناسبت شغل یا حرفه خود محرم اسرار می شوند هرگاه در غیر از موارد قانونی اسرار مردم را افشاء کنند به حبس از سه ماه و یک روز تا یک سال و یا جزای نقدی محکوم خواهند شد . قید عبارت در غیر از مواد قانونی تکلیف را در اینخصوص معلوم می نماید به عبارت دیگر در چنین شرایطی افشاء چنین رازی در زمره موارد قانونی بوده و در صورت افشاء وکیل مستوجب مجازات نخواهد بود . اما آنچه که مسلم است اینست که وکیل محرم و رازدار اسرار موکل خود محسوب می گردد و بایستی در حفظ اسرار موکل چه امور مربوط به وکالت و چه غیر آن کوشا باشد و همانگونه که در قسم نامه نیز ذکر شده افشاء اسرار موکل اقدامی است خلاف شرافت وکالت .

در پایان از همکاران معزز تقاضا دارم اینجانب را با ارائه نظرات و پیشنهادات سازنده خود یاری و مساعدت فرمایند.

منابع:

۱- مسئولیت مدنی وکیل دادگستری دکتر نصرالله قهرمانی

۲- مجموعه کامل مقررات وکالت دکتر نصرالله قهرمانی و ابراهیم یوسفی محله

عبدالله سمایی

وکیل پایه یک دادگستری

دادیار دادرسی انتظامی کانون وکلای دادگستری مرکز